



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و منطقه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۸	دوره انتشار	۸	صفحات	۱-۱۵
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

نقش هوش مصنوعی در سازمان‌دهی داده‌های فقهی و تسهیل استنباط احکام

خانم مشهوده بیکزاد و آقای دکتر ناصر نیکخو امیری

دانشجوی دکترا جامعه المصطفی، گلستان، گرگان، مدرسه عالی خاوران

استادیار جامعه المصطفی العالمية - نمایندگی گلستان، ایران،

چکیده

گسترش هوش مصنوعی و ورود آن به حوزه علوم اسلامی، پرسش‌های جدیدی درباره نقش، حدود و پیامدهای این فناوری در سامان‌دهی داده‌های فقهی و تسهیل استنباط احکام ایجاد کرده است. پژوهش حاضر باهدف تبیین چرایی کارکردهای هوش مصنوعی در فقه، چرایی ضرورت بهره‌گیری از آن در مواجهه با انبوه متون فقهی، و چگونگی به‌کارگیری صحیح آن در فرایند اجتهاد شکل گرفته است. این تحقیق، با روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی اسناد و منابع کتابخانه‌ای، به تحلیل ظرفیت‌های فنی هوش مصنوعی همچون پردازش زبان طبیعی، یادگیری ماشین و گراف‌های دانش، و نیز محدودیت‌های معرفت‌شناختی و فقهی این فناوری پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی در سه سطح: (۱) سازمان‌دهی و طبقه‌بندی متون فقهی، (۲) تحلیل الگوهای استنباطی و بازیابی ادله، و (۳) کمک به موضوع‌شناسی مسائل نوظهور، نقش مؤثری ایفا می‌کند؛ اما به سبب فقدان ملکه اجتهاد، درک مقاصد شریعت و تشخیص ظرایف اصولی، قادر به جایگزینی فقیه نیست. همچنین، بررسی اخلاقی و فقهی موضوع نشان می‌دهد که استفاده از هوش مصنوعی مشروط به رعایت عدالت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و حفظ جایگاه منابع معتبر تشریع است. نتیجه نهایی پژوهش بیانگر آن است که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری کمکی، اما نه جایگزین، در خدمت فقیه قرار گیرد و با ایجاد نظم در داده‌ها و افزایش سرعت تحلیل، فرایند اجتهاد را تقویت کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، داده‌های فقهی، استنباط احکام

طبقه‌بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی



The role of artificial intelligence in organizing jurisprudential data and facilitating the inference of rulings

Abstract

Abstract: The rapid expansion of Artificial Intelligence (AI) and its growing presence in the field of Islamic sciences have raised new questions regarding the functions, limitations, and implications of this technology in the structuring of jurisprudential data and the facilitation of legal reasoning (istinbāt al-aḥkām). This study aims to clarify the nature of AI's operative functions in Islamic jurisprudence, the rationale for employing it in the face of vast and dispersed fiqh literature, and the methodology for its proper integration within the process of ijtihād. Employing a descriptive-analytical approach and drawing on documentary and library-based sources, the research examines the technical capacities of AI—such as Natural Language Processing (NLP), Machine Learning (ML), and Knowledge Graphs—alongside its epistemic and jurisprudential constraints. The findings indicate that AI contributes significantly on three levels: ١. the organization, structuring, and taxonomical classification of fiqh texts; ٢. the analysis of inferential patterns and retrieval of evidentiary sources; ٣. assistance in subject-matter analysis (mawḍūʿ-shenāsī) for emergent issues. Nevertheless, due to its lack of malakat al-ijtihād (the juristic faculty), its inability to grasp the objectives of the Sharīʿa, and its limitations in detecting subtle uṣūlī nuances, AI cannot function as a substitute for the jurist. Moreover, ethical and jurisprudential assessments demonstrate that the use of AI must remain conditioned upon principles of justice, transparency, accountability, and the preservation of authoritative sources of legislation. The study ultimately concludes that AI may serve as an auxiliary—but never a replacement—within the jurist's toolkit. By introducing order into complex data corpora and accelerating analytic processes, AI has the potential to meaningfully enhance the practice of ijtihād.

Keywords: Artificial Intelligence, Jurisprudential Data, Inferring rulings



متن مقاله

ذهنی، روحی و علمی به دست می‌آید. بنابراین، سپردن کامل این جایگاه به یک ماشین - بدون در نظر گرفتن مبانی اصولی، اخلاقی و عرفانی فقه - نه تنها مغایر با ذات اجتهاد است، بلکه عملاً ناممکن می‌باشد.

رشد سریع فناوری‌های دیجیتال، ساختار تولید و مدیریت دانش را متحول کرده و علوم انسانی را نیز با ضرورت بهره‌گیری از ابزارهای نوین روبه‌رو ساخته است. فقه اسلامی، با توجه به گستردگی منابع، تنوع متون و تعدد مسائل نوپدید، بیش از گذشته نیازمند روش‌های کارآمد برای سامان‌دهی و تحلیل داده‌هاست. انباشت عظیم متون فقهی و دشواری دسترسی نظام‌مند به احکام مشابه و استدلال‌های فقهی، ضرورت استفاده از فناوری‌هایی مانند پردازش زبان طبیعی و یادگیری ماشینی را برجسته می‌سازد. این ابزارها می‌توانند در طبقه‌بندی موضوعی، کشف الگوهای استدلالی و بازیابی دقیق‌تر اطلاعات نقش مؤثری ایفا کنند؛ هرچند جایگاه اجتهاد انسانی همچنان محفوظ است. از سوی دیگر، افزایش مسائل نو در عرصه‌های پزشکی، اقتصادی و اجتماعی، نیازمند تقویت روش‌های پژوهشی و استفاده از ظرفیت علوم داده برای ارائه تصویری روشن‌تر از شبکه معارف فقهی است. براین اساس، بررسی نسبت فقه و هوش مصنوعی، نه یک رویکرد تجملی بلکه ضرورتی علمی و روشی برای ارتقای تولید دانش در حوزه فقه به شمار می‌آید.

اهداف پژوهش: مسلم است که هیچ تحقیقی بدون هدف نیست. آنچه که انسان را به حرکت درمی‌آورد و باعث موفقیت آن می‌شود هدف است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر قرار ذیل است:

هدف اصلی: تبیین نقش و حدود به‌کارگیری هوش مصنوعی در سامان‌دهی داده‌های فقهی و کمک به استنباط احکام.
اهداف فرعی:

۱. شناسایی قابلیت‌های هوش مصنوعی در تحلیل و طبقه‌بندی متون

فقه اسلامی، در طول تاریخ پرفرازونشیب تمدن اسلامی، همواره جایگاهی ممتاز و تعیین‌کننده داشته است. در چشم‌انداز بسیاری از اندیشمندان مسلمان، آموزه‌های مترقی شریعت، از جمله فقه، صرفاً مجموعه‌ای از احکام فردی نیست؛ بلکه به‌عنوان نظریه‌ای جامع برای اداره تمام‌عیار حیات انسان، بهترین استراتژی برای تحقق «تمدن برتر اسلامی» به شمار می‌آید. (محمدیان و کشاورزی ولدانی، ۱۴۰۲) فقه در این نگاه، «نقشه راه» حرکت اجتماعی و تمدنی امت اسلامی است. از همین رو، قرآن کریم، حکمت و دانش را موهبتی عظیم و الهی می‌شمارد: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره، ۲۶۹) و تأکید می‌کند که خداوند «کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که دانش یافته‌اند به درجاتی برمی‌افزاید». بدیهی است که با چنین جایگاه والایی برای علم و فقه، تقویت نظام‌مندی احکام و تسهیل فرایند پیچیده اجتهاد، آرمان مطلوب هر فقیه و اندیشمند دینی است.

باوجود این، ما اکنون در عصر انفجار اطلاعات قرار داریم. حجم گسترده منابع فقهی و تنوع بی‌شمار مسائل مستحدثه، چالش‌هایی جدی در مسیر پژوهش فقهی ایجاد کرده است. امروز صدها هزار کتاب و مقاله فقهی در دسترس است؛ گنجینه‌ای عظیم که در قالب داده‌های الکترونیکی و نرم‌افزارها انباشته شده است. میرحسینی و همکاران (۱۴۰۱) به‌دروستی اشاره می‌کنند که پیشرفت‌های هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی امکان تحلیل این «مقدار وسیع از داده‌های فقهی» را فراهم کرده، اما هم‌زمان، غلبه بر «چالش‌های داده‌های علوم فقهی» همچنان یک ضرورت است. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که فرایند استنباط حکم، ماهیتی عمیقاً انسانی و چندوجهی دارد. همان‌گونه که نقل شده است، فتوا میوه درخت «ملکه استنباط» فقیه جامع‌الشرایط است که پس از یک پروسه پیچیده



انسانی، می‌تواند نقش پشتیبان مؤثری در فرایند استنباط ایفا کند.

۲- محمدی و شایانفر (۱۴۰۴) در مقاله‌ای تحلیلی-تطبیقی، به بررسی چالش‌های فقهی و حقوقی ناشی از گسترش فضای دیجیتال و هوش مصنوعی در جوامع اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوایی منابع فقهی، به تبیین مسائلی مانند مشروعیت استفاده از هوش مصنوعی، مسئولیت حقوقی تولیدکنندگان و کاربران، حریم خصوصی و امکان تطبیق اصول کلی فقه با فناوری نوین می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که قواعد کلی فقه اسلامی، از جمله قاعده لاضرر، اتلاف و امر به معروف و نهی از منکر، قابلیت اعمال بر حقوق دیجیتال را دارند. همچنین تأکید می‌شود که اجتهاد پویا و همکاری میان فقها و متخصصان فناوری برای مواجهه با تحولات دیجیتال ضروری است. مقاله در نهایت راهکارهایی برای تدوین سیاست‌های شرعی در حوزه فناوری‌های نوین ارائه می‌کند.

۳- دهقانی (۱۴۰۳) در این پژوهش به بررسی حقوق و مسئولیت‌های اخلاقی هوش مصنوعی در چارچوب فقه اسلامی پرداخته و تلاش کرده است اصول بنیادین فقه-نظیر عدالت، حریم خصوصی و امنیت-را با کارکردهای نوین AI تطبیق دهد. در این مقاله، ضمن معرفی انواع کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه‌های پزشکی، مالی و آموزشی، حقوق مرتبط با مالکیت، کنترل و امنیت داده نیز از منظر فقهی تحلیل شده است. نویسنده همچنین به مسئولیت‌های اخلاقی کاربران و توسعه‌دهندگان در رعایت صداقت، عدالت و حفظ حقوق دیگران اشاره می‌کند. نتیجه‌گیری مقاله بر ضرورت تدوین چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی برای مدیریت استفاده از فناوری‌های هوشمند در جوامع اسلامی تأکید می‌کند.

۴- چتینکایا (۲۰۲۵) در یک پژوهش میان‌رشته‌ای، ساختار تصمیم‌گیری

فقهی.

۲. بررسی محدودیت‌های معرفت‌شناختی استفاده از ابزارهای ماشینی در فقه.

۳. ارائه چارچوبی اخلاقی و معرفتی برای کاربرد هوش مصنوعی در فقه. پرسش‌های پژوهش

۱. هوش مصنوعی چه نقشی در سامان‌دهی داده‌های فقهی دارد؟

۲. تا چه حد می‌تواند در فرایند استنباط احکام کمک کند؟

۳. چه ملاحظات اخلاقی و معرفتی باید در استفاده از آن رعایت شود؟

۲- پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، با گسترش فناوری‌های هوش مصنوعی و ورود آن به عرصه‌های فقهی و حقوقی، پژوهش‌های متعددی در زمینه نسبت فقه اسلامی و فناوری‌های نوین انجام شده است. این بخش به بررسی مهم‌ترین مطالعات انجام‌شده در حوزه کاربردهای هوش مصنوعی در فقه و حقوق اسلامی می‌پردازد تا جایگاه پژوهش حاضر در میان آثار پیشین روشن شود.

۱- شعبانی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای پژوهشی به بررسی ظرفیت‌های هوش مصنوعی در تسریع فرایند استنباط احکام شرعی پرداخته‌اند. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که فناوری‌هایی مانند سیستم‌های خبره، پردازش زبان طبیعی، یادگیری ماشین و شبکه‌های عصبی می‌توانند با کاهش خطاهای تطبیقی، ارتقای جامع‌نگری و کشف گسست‌های استدلالی، دقت و سرعت استنباط را بهبود بخشند. نویسندگان همچنین تأکید می‌کنند که هوش مصنوعی قادر است نظم و انسجام بیشتری در تحلیل منابع فقهی فراهم آورد و فرایند استخراج حکم را کارآمدتر سازد. نتایج این پژوهش تأیید می‌کند که بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند در فقه، ضمن حفظ جایگاه اجتهاد



انسان و ماشین قابل دسترسی باشد. این پژوهش نشان می‌دهد که مدل‌سازی معنایی و گراف‌های دانش می‌توانند قابلیت جستجوی معنایی و تحلیل داده‌های حدیثی را تقویت کرده و ابزار مناسبی برای پژوهشگران و دانشجویان علوم اسلامی فراهم کنند. تلاش مذکور گامی نوین در دیجیتال‌سازی و سازمان‌دهی منابع حدیثی برای کشف دانش و تسهیل پژوهش‌های میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود.

باوجود پژوهش‌های پیشین در زمینه دیجیتال‌سازی متون فقهی و تحلیل حقوقی هوش مصنوعی، بررسی نقش عملی AI در نظم‌دهی داده‌های فقهی و تسهیل فرایند استنباط احکام هنوز محدود و جزئی باقی‌مانده است. این مطالعه با رویکرد میان‌رشته‌ای، توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، هم‌ظرفیت‌های فناوری در تحلیل و طبقه‌بندی متون فقهی را بررسی می‌کند و هم محدودیت‌ها و الزامات فقهی و اخلاقی آن را روشن می‌سازد.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- هوش مصنوعی: هوش مصنوعی به سیستم‌هایی اطلاق می‌شود که می‌توانند وظایفی را انجام دهند که به طور معمول به هوش انسانی نیاز دارند، مانند درک زبان طبیعی، تشخیص الگوها، حل مسائل پیچیده و یادگیری از تجربه. این سیستم‌ها شامل الگوریتم‌ها و مدل‌های یادگیری ماشین هستند که توانایی‌های تحلیلی و تصمیم‌گیری انسان را شبیه‌سازی می‌کنند. (راسل و نورویگ، ۲۰۱۶)

۳-۲- داده فقهی: داده (Data) در مفهوم کلاسیک خود به عناصر خام و پردازش‌نشده‌ای گفته می‌شود که واقعیت‌های مربوط به یک پدیده را توصیف می‌کنند. داده‌ها می‌توانند عددی، متنی، کیفی یا مشاهداتی باشند و به‌طور مستقل معنایی محدود دارند و هنوز در قالب اطلاعات کاربردی سازمان‌دهی نشده‌اند. در حوزه علوم انسانی و معرفت‌شناسی، داده محرک‌های ذهنی اولیه‌ای است که از طریق مشاهده، مطالعه یا تجربه به

فقهی در فتاوی شیوخ‌الاسلام عثمانی را با روش‌های زبان‌شناسی محاسباتی و یادگیری ماشین تحلیل کرده است. وی با بررسی ۹۹۱۳ فتوا نشان می‌دهد که حدود ۸۷٪ احکام بر منطق دوتایی «جواز/عدم جواز» استوار بوده و الگوی تصمیم‌گیری آن دارای نظم بالا و آشفتگی بسیار پایین است. مدل‌های یادگیری ماشین نیز توانسته‌اند با دقت ۸۷٫۶٪ نتیجه حکم را پیش‌بینی کنند، امری که وجود نوعی «الگوریتم‌مندی انسانی» در فقه سنتی را تأیید می‌کند. یافته‌ها بیانگر آن است که نظام فتوایی عثمانی قرن‌ها پیش از ظهور رایانه، از ساختارهای تصمیم‌گیری منظم و قابل محاسبه بهره می‌برد؛ موضوعی که برای بحث‌های معاصر پیرامون خودکارسازی استنباط و نقش هوش مصنوعی در فقه اهمیت ویژه‌ای دارد.

۵- الشیشیری (۲۰۲۴)، در پژوهشی میان‌رشته‌ای، تأثیر به‌کارگیری هوش مصنوعی در صدور و دریافت فتوا را بررسی کرده است. این مطالعه با استفاده از روش تحلیلی-استنباطی و با تکیه بر داده‌های متنی فتاوی موجود در پلتفرم‌های آنلاین، نشان می‌دهد که AI با بهره‌گیری از «استدلال موردبنیاد متنی» (Textual CBR) توانایی جمع‌آوری و مقایسه نمونه‌های پیشین را دارد؛ اما هم‌زمان کاربران در مواجهه با فتاوی مبتنی بر AI با چالش‌هایی مانند ابهام زبانی، خطاهای معنایی و احتمال دست‌کاری یا تحریف محتوای فتوایی روبه‌رو می‌شوند. نتیجه پژوهش تأکید می‌کند که هرچند استفاده از AI در تسهیل دسترسی به فتوا مفید است، اما محدودیت‌های زبانی و معرفت‌شناختی آن مانع اتکای کامل به چنین سامانه‌هایی در امور شرعی می‌شود.

۶- کامران و همکاران (۲۰۲۳) با طراحی توسعه گراف دانش SemanticHadith، شش مجموعه حدیثی برجسته را به صورت RDF منتشر کردند تا ساختار مفهومی و پیوندهای میان متون حدیثی برای



است. گروهی دیگر با شرح بیشتر و در زمینه اجتهاد بالتجزی گفته‌اند: اجتهاد همان توانایی استنباط با ملکه‌ای خاص در پاره‌ای از ابواب فقه. در توضیح این ملکه نفسانی، آن را نیرویی می‌دانند که به صاحب آن امکان می‌دهد فروع را از اصول برگیرد، جزئیات را به قواعد بازگرداند، مسائل جزئی را بر قواعد عام منطبق کند، استدلال‌های قوی را تقویت نماید و استدلال‌های ضعیف را تضعیف سازد، و نیز در تعارض ادله، با اتکا بر مرجحات یک دلیل را بر دیگری برتری دهد (کرکی، ۱۴۰۹). غایت اجتهاد، رسیدن به علم یا ظن معتبر برای تشخیص احکام فقهی است (عراقی، ۱۳۷۹).

۴- چارچوب معرفت‌شناختی تعامل فقه و فناوری
درک رابطه میان فقه و فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی نیازمند طراحی چارچوبی معرفت‌شناختی است که مبانی، روش‌ها و محدوده‌های این تعامل را روشن کند. چنین چارچوبی به ما کمک می‌کند تا پاسخ پرسش‌های بنیادین درباره چیستی معرفت، منابع آن و شیوه‌های کسب آن در هر یک از این دو حوزه را بیابیم.

۱-۴- مبانی معرفت‌شناختی فقه
فقه، مانند هر دانش دیگری، بر اصول و مبانی خاص خود استوار است که منابع و روش‌های کسب معرفت را تعیین می‌کنند. انسان برای کسب معرفت در فقه از سه قوه اصلی «حس»، «عقل» و «قلب» برخوردار است. باین‌حال، در استنباط فقهی، مکاشفات قلبی اعتبار روش‌شناختی ندارند و ابزارهای اصلی، عقل و مشاهده (در مواردی مانند رؤیت هلال ماه) هستند. منابع فقه شامل منقولات شرعی (کتاب و سنت)، معقولات (داده‌های عقلی) و محسوسات است. این محدودسازی منابع، چارچوب معرفت‌شناختی مشخصی را برای فقه شکل می‌دهد. کسب معرفت فقهی عمدتاً از طریق قیاس و استدلال منطقی صورت می‌گیرد و در آن هم «علم

ذهن منتقل می‌شود و پایه شکل‌گیری «اطلاعات» و سپس «دانش» را فراهم می‌کند. داده در پایین‌ترین سطح انتزاع قرار دارد، سپس اطلاعات و در نهایت دانش قرار می‌گیرد. (انصاری و زند، ۱۳۹۵)

بر این مبنا، داده‌های فقهی به مجموعه عناصر اولیه و خامی گفته می‌شود که مبنای استنباط احکام و تحلیل‌های فقهی را تشکیل می‌دهند. این داده‌ها معمولاً شامل موارد زیر هستند:

نصوص شرعی: آیات احکام، روایات و سیره معصومان
اقوال و دیدگاه‌های فقیهان: فتاوا، تحلیل‌ها و استدلال‌های فقهی مختلف
اصول و قواعد فقهی: اصول عملیه، قواعد فقهی، ضوابط اصولی
قرائن تاریخی و اجتماعی مرتبط با محیط صدور حکم
مصادیق و وقایع عینی که حکم فقهی درباره آن‌ها بررسی می‌شود.
این داده‌ها در مرحله نخست «خام» هستند و تنها پس از تنقیح، تفسیر، تحلیل و استنباط به «اطلاعات فقهی» و سپس «دانش فقهی» تبدیل می‌شوند.

۳-۳- استنباط حکم: استنباط، فرایند دستیابی به حکم از خلال یک چارچوب منظم و روش‌مند است. در لغت، «استنباط» به معنای «به آب رسیدن چاه» آمده است. واژه استنباط در مواردی چون علم، خیر و مال، به معنای مجازی «استخراج» به کار می‌رود، زیرا در این گونه موارد بیرون کشیدن محسوس و فیزیکی در میان نیست. از این رو هر امری که از منبعی استخراج گردد و در معرض دید یا ادراک قرار گیرد، «مستنبط» نامیده می‌شود. (لمکراسی، ۱۴۰۴) همچنین بیرون کشیدن لایه‌های پیچیده دانش از منابع آن نیز از مصادیق استنباط به شمار می‌آید (مصطفوی، ۱۴۰۲). در برخی متون فقهی، تعریف استنباط به گونه‌ای فشرده آمده است. سید مرتضی (۱۴۰۵) آن را استخراج حکم از فحوای نصوص دانسته



یقینی» و هم «ظن معتبر» می‌توانند مبنای عمل و استنباط باشند.
(احمدپور، بی تا)

۲-۴- مبانی معرفت‌شناختی علم و فناوری

روش غالب در علوم تجربی و فناوری مبتنی بر آن با روش فقه متفاوت است. این رویکرد بر مشاهده، آزمایش و استقراء تکیه دارد و از جزئیات به کلیات می‌رسد. علاوه بر تجربه، خلاقیت و فرضیه‌سازی نقش مهمی در تولید معرفت علمی دارد؛ فرضیه‌های نوآورانه اغلب محصول ذهن آماده و ژرفاندیش دانشمند هستند و این وجه نظری و غیرحسی علم را نمایان می‌کند. (ربانی گلیپایگانی، ۱۳۷۵)

۳-۴- ترسیم چارچوب تعامل: تمایزها و حوزه‌های پیوند

باتوجه به تفاوت‌های مبنایی، می‌توان چارچوب تعامل فقه و فناوری را در قالب تمایزها و حوزه‌های پیوند ترسیم کرد:

مؤلفه

فقه (به عنوان یک دانش دینی و اجتهادی)

فناوری (به عنوان محصول علم تجربی)

منبع معرفت

وحی، عقل، سنت و اجماع

مشاهده، تجربه و استقراء

روش معیار

استدلال قیاسی و اجتهادی باتکیه بر اصول فقه

استقراء، آزمایش و مدل‌سازی

نسبت با قطعیت

علم یقین و ظن معتبر

احتمال آماری و نظریه‌های ابطال‌پذیر

کارکرد اصلی

کشف حکم شرعی و هنجاریابی

حل مسائل عملی و کارآمدسازی

این تمایزها نشان می‌دهد که فقه و فناوری عرصه‌های مجزا اما قابل تعامل هستند. حوزه‌های اصلی تعامل عبارت‌اند از:

فناوری به عنوان ابزار فقه: هوش مصنوعی می‌تواند حجم عظیمی از متون فقهی را پردازش، طبقه‌بندی و تحلیل کند و حتی فرضیه‌های اولیه برای اجتهاد ارائه دهد، اما قضاوت نهایی و اعمال ملکه اجتهاد همچنان بر عهده فقیه باقی می‌ماند.

فقه به عنوان هدایتگر فناوری: فقه با ارائه ارزش‌ها، چارچوب‌ها و حدود اخلاقی، مسیر توسعه فناوری را هدایت می‌کند. برای مثال، فقه می‌تواند درباره مالکیت داده‌ها، حقوق فکری نرم‌افزارها و حدود استفاده از شبیه‌سازی‌های هوش مصنوعی راهنمایی دهد.

این چارچوب نشان می‌دهد تعامل فقه و فناوری، تکمیلی و سلسله‌مراتبی است و نه رقابتی. فناوری می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد، سرعت و دقت استنباط فقهی را افزایش دهد، و فقه باتکیه بر منابع و روش‌های خود، چارچوب اخلاقی و هنجاری برای بهره‌گیری از فناوری فراهم می‌آورد. شناخت این تمایزها و حوزه‌های پیوند، برای استفاده موفق از فناوری در عرصه فقه حیاتی است.

۵- تحلیل نقش هوش مصنوعی در سامان‌دهی داده‌های فقهی

سامان‌دهی داده‌های فقهی که شامل متون مقدس، کتب حدیثی، آرای فقها و منابع استدلالی می‌شود، همواره یکی از پایه‌های اصلی تحقیق و اجتهاد در علوم اسلامی بوده است. با ظهور فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، این فرایند شاهد تغییر و تحولی بنیادین شده است. هوش



متون بر اساس مفاهیم و موضوعات است، امری که پایه‌ای برای ایجاد سامانه‌های فقهی و حقوقی هوشمند به شمار می‌رود.

۱-۲-۵- طبقه‌بندی خودکار متون فقهی و حقوقی

الگوریتم‌های هوش مصنوعی، به‌ویژه مدل‌های مبتنی بر مفاهیم حوزه تخصصی و تکنیک‌هایی مانند «جنگل تصادفی»، قادرند متون طولانی و پیچیده فقهی را به دسته‌های موضوعی دقیق تقسیم کنند (چن و همکاران، ۲۰۲۲)، مانند فقه خانواده، فقه اقتصاد یا فقه پزشکی. این دسته‌بندی، امکان دسترسی سریع و هدفمند پژوهشگر به متون مرتبط را فراهم می‌کند.

۲-۲-۵- ایجاد پایگاه دانش ساختاریافته

هوش مصنوعی می‌تواند موجودیت‌های کلیدی مانند راویان، احکام و مفاهیم خاص را از متون استخراج کرده و آن‌ها را در یک پایگاه دانش منسجم سازماندهی کند. این کار، تحلیل روابط میان مفاهیم و بررسی تطبیقی آراء فقها را ساده و سریع می‌کند و امکان پژوهش‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر را فراهم می‌سازد. (عیاد، ۲۰۲۵)

۳- هوش مصنوعی به عنوان «دستیار فقهی»

هوش مصنوعی می‌تواند مستقیماً در فرآیند فقاقت به فقیه یاری رساند، بدون آنکه جایگزین قضاوت و ملکه اجتهاد او شود.

۱-۳-۵- کمک در موضوع‌شناسی

یکی از مراحل حیاتی استنباط، شناخت دقیق «موضوع» حکم شرعی است. هوش مصنوعی با تحلیل گسترده داده‌ها، می‌تواند موضوعات جدید و پیچیده، مانند مسائل مرتبط با ارزهای دیجیتال یا قراردادهای الکترونیکی، را شناسایی و تبیین کند و بدین ترتیب، فقیه را در فرایند تصمیم‌گیری یاری دهد. (کشاورزی ولدانی و محمدیان، ۱۴۰۳)

مصنوعی، با توانایی‌های پردازشی و تحلیل داده‌ای، می‌تواند حجم عظیمی از اطلاعات فقهی را ساختارمند و قابل دسترسی کند. نقش این فناوری را می‌توان در چند محور اصلی تحلیل کرد:

۱. هوش مصنوعی به عنوان «ابزار پژوهشی هوشمند»

هوش مصنوعی قادر است پردازش و تحلیل متون فقهی را به شکل خودکار انجام دهد و در این مسیر به یک دستیار پژوهشی قدرتمند برای محققان و فقها تبدیل شود که در ذیل به بیان این نقش پرداخته می‌شود.

۱-۱-۵- پردازش زبان طبیعی (NLP) و یادگیری ماشین

این فناوری‌ها به سیستم‌ها امکان می‌دهند تا زبان انسانی را درک، تحلیل و تفسیر کنند. در حوزه فقه، این توانایی به معنی تحلیل دقیق متون، شناسایی الگوهای فکری فقها و گردآوری روایات مرتبط با یک مسئله مشخص است. (فناورانه‌های روز، ۱۴۰۳) به عنوان مثال، هوش مصنوعی می‌تواند تمامی احادیث مربوط به یک موضوع خاص را از منابع مختلف جمع‌آوری و دسته‌بندی کند و پژوهشگر را در دسترسی سریع و کامل به آن‌ها یاری دهد.

۲-۱-۵- استخراج و تحلیل داده‌های متنی

فناوری‌های داده‌کاوی و یادگیری ماشین این امکان را فراهم می‌کنند که روابط و ارتباطات پنهان میان داده‌ها کشف شود. به این ترتیب، می‌توان پیوندها و الگوهای نهفته میان احکام، روایات و آراء فقها را شناسایی کرد. به طور مثال، در گذشته، برخی فقها مانند آیت‌الله فاضل لنکرانی با تحلیل دستی متون فقهی، کاربرد «قاعده الزام» را در عبادات استنباط کشف کردند؛ امروز هوش مصنوعی می‌تواند چنین تحلیل‌هایی را با سرعت و دقت بسیار بالاتر انجام دهد. (احمدوند، ۱۴۰۱)

۲. هوش مصنوعی به عنوان «تحلیل‌گر و طبقه‌بند»

یکی از نقش‌های کلیدی هوش مصنوعی، توانایی دسته‌بندی هوشمند



متکی بوده است. در این فرایند، دقت، شناخت عمیق منابع و توان تحلیل و استنتاج اهمیت بسیار بالایی دارد. امروزه هوش مصنوعی با قابلیت‌های تحلیلی و پردازشی خود، پتانسیل بالایی برای سرعت‌بخشی، دقت بیشتر و نظام‌مند کردن این فرایند پیچیده ارائه می‌دهد. با این حال، باید تأکید کرد که نقش هوش مصنوعی جایگزینی فقیه نیست، بلکه در مقام یک دستیار پژوهشی پیشرفته می‌تواند به شکلی مؤثر عمل کند. بررسی نقش آن را می‌توان در چند محور کلیدی مورد تحلیل قرارداد.

۱-۶- هوش مصنوعی به عنوان دستیار پژوهشی پیشرفته

هوش مصنوعی می‌تواند در فرایند تحقیق و استنباط، وظایف پژوهشی را خودکارسازی کرده و زمینه را برای تمرکز بیشتر فقیه بر تحلیل و استدلال فراهم آورد. جدول زیر نقش‌های اصلی آن را نشان می‌دهد:

محور نقش‌آفرینی

توصیف و کارکرد

فناوری مرتبط

سازماندهی و بازیابی هوشمند داده‌ها

پردازش حجم عظیم متون فقهی شامل قرآن، حدیث و کتب استدلالی و بازیابی فوری تمامی ادله مرتبط با یک مسئله خاص. سیستم‌های پردازش زبان طبیعی (NLP) می‌توانند با درک معنایی پرسش، دقیق‌ترین نتایج را ارائه دهند. (شعبانی و همکاران، ۱۴۰۳)

پردازش زبان طبیعی (NLP)، سیستم‌های بازیابی اطلاعات

تحلیل داده و کشف الگو

تحلیل تاریخیچه فتواها و نظرات فقهی به منظور شناسایی الگوهای استنباط، بررسی تطورات فقهی یک مسئله یا کشف ارتباطات غیرمستقیم میان ادله که از دید پژوهش انسانی ممکن است پنهان مانده باشد.

۲-۳-۵- گردآوری و ارائه ادله

هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان دستیار فقیه در جمع‌آوری اطلاعات و سامان‌دهی فتوا نقش‌آفرینی کند؛ یعنی هوش مصنوعی قادر است تمامی آیات، روایات و آرای فقهی گذشته درباره یک مسئله خاص را به سرعت جمع‌آوری، دسته‌بندی و ارائه کند. این قابلیت نه تنها زمان مورد نیاز برای پژوهش را کاهش می‌دهد، بلکه امکان تمرکز فقیه بر تحلیل و استدلال را افزایش می‌دهد. (عیاد، ۲۰۲۵)

۳-۳-۵- پیشنهاد فرضیه و الگو

هوش مصنوعی با تحلیل الگوهای تاریخی اجتهاد و فقه، می‌تواند راه‌حل‌ها و فرضیه‌های نوین برای مسائل مستحدثه ارائه کند، با این شرط که اعتبارسنجی نهایی و تصمیم‌گیری قطعی بر عهده فقیه باقی بماند. (احمدوند، ۱۴۰۱)

هوش مصنوعی با ایفای نقش به عنوان ابزار پژوهشی هوشمند، تحلیل‌گر و طبقه‌بند دقیق و دستیار فقهی، فرایند سازماندهی داده‌های فقهی را وارد مرحله‌ای نوین کرده است. این فناوری امکان پردازش سریع و دقیق حجم انبوهی از متون را فراهم می‌آورد، تحلیل‌ها را عمیق‌تر می‌کند و نوآوری در روش‌های فقهی را تسهیل می‌سازد. با این حال، ضروری است تأکید شود که هوش مصنوعی ابزاری کمکی است و نه جانشین انسان. خروجی‌های این سیستم‌ها همواره باید تحت قضاوت و اعمال ملکه اجتهاد فقیه بررسی و تأیید شوند. آینده تعامل فقه و هوش مصنوعی به توسعه مستمر این فناوری‌ها در کنار هدایت و نظارت کارشناسان علوم اسلامی بستگی دارد.

۶- نقش هوش مصنوعی در تسهیل استنباط احکام

فرایند استنباط احکام شرعی که قلب علم اجتهاد را تشکیل می‌دهد، همواره بر تلاش فقیه برای استخراج حکم الهی از منابع و ادله تفصیلی



حدود ۱۷٪ تا ۳۴٪ موارد، اطلاعات نادرست تولید کنند یا به منابع نامرتب ارجاع دهند (ماگش، ۲۰۲۴). این خطا که به «هالوسینیشن» معروف است، در حوزه فقه که دقت در نقل ادله حیاتی است، کاملاً غیرقابل پذیرش است.

فقدان فهم عمیق سیاق: هوش مصنوعی در درک دقیق سیاق عبارات و تشخیص مفاهیمی مانند «عام و خاص»، «مطلق و مقید» و به ویژه «ناسخ و منسوخ» محدود است. این تمایزات از ارکان اساسی اجتهاد محسوب می شوند و نیازمند قوه تشخیص و فهم انسانی هستند که ماشین فاقد آن است. (محمدی، ۱۴۰۳)

عدم توانایی در اعمال ملکه اجتهاد: فرایند استنباط، در نهایت متکی بر «ملکه اجتهاد» فقیه است؛ ترکیبی از دانش عمیق، بینش، خلاقیت و توانایی تحقیق از مقاصد شریعت. هوش مصنوعی فاقد چنین توانایی است و نمی تواند در مسائل مستحدثه یا نوظهور جایگزین فقیه شود. (محمدی، ۱۴۰۳)

به طور خلاصه، هوش مصنوعی ابزار توانمند، اما تابع و کمکی در فرایند استنباط احکام است. این فناوری می تواند وظایف پژوهشی و تحلیل های مقدماتی را خودکار کرده و کارایی تحقیقات سنتی را افزایش دهد، اما هرگز نمی تواند جایگزین قوه اجتهادی، فهم مقاصد شریعت و قضاوت ارزشی فقیه شود. آینده مطلوب، مبتنی بر یک رویکرد تعاملی و سلسله مراتبی است؛ در این مدل، هوش مصنوعی به عنوان دستیار فقهی عمل می کند، درحالی که قضاوت نهایی، اعمال ملکه اجتهاد و اعتبارسنجی خروجی ها همواره بر عهده فقیه باقی می ماند.

۷- ملاحظات اخلاقی و فقهی در استفاده از هوش مصنوعی

گسترش فناوری های هوشمند در سال های اخیر، عرصه علوم دینی و فقه اسلامی را با فرصت ها و چالش های تازه ای روبه رو کرده است. هوش

(شعبانی و همکاران، ۱۴۰۳)

یادگیری ماشین، داده کاوی

تصحیح و پیشگیری از خطاهای استدلالی

کمک به فقیه برای شناسایی ضعف ها و بریدگی های استدلالی با مقایسه ساختار استدلال های جاری با الگوهای تثبیت شده و منطقی صحیح.

(شعبانی و همکاران، ۱۴۰۳)

سیستم های استدلال منطقی

استدلال ورزی و نتیجه گیری مقدماتی

قابلیت نتیجه گیری بر مبنای استدلال های منطقی که به فقیه امکان می دهد استدلال های مختلف را آزمایش کرده و فرایند استنباط را تسریع نماید. (مینایی، ۱۳۹۸)

مدل های زبانی بزرگ، سیستم های مبتنی بر قواعد

در این نقش، هوش مصنوعی می تواند زمان و انرژی صرف شده برای گردآوری داده ها و تحلیل مقدماتی را به طور قابل توجهی کاهش دهد و تمرکز فقیه را بر تحلیل دقیق و اعمال ملکه اجتهاد متمرکز سازد.

۲-۶- چالش ها و محدودیت های جدی استفاده از هوش مصنوعی در استنباط

باوجود قابلیت های فوق، استفاده از هوش مصنوعی در استنباط احکام با چالش های معرفتی و فنی مهمی روبروست که نادیده گرفتن آن ها می تواند به نتایج نادرست فقهی منجر شود:

تولید اطلاعات نادرست: پژوهش های معتبر، حتی در حوزه های حقوقی مشابه فقه، نشان داده اند که سیستم های هوش مصنوعی ممکن است در



مجتهدان قابل تحلیل و نقد باشد. (عارف نیا و همکاران، ۱۴۰۳) بنابراین، تبیین‌پذیری تصمیمات هوشمند یک ضرورت اخلاقی و علمی در حوزه فقه است.

۳-۱-۷- مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی

از مسائل مهم دیگر، تعیین مسئولیت در نتایج حاصل از تصمیم‌گیری ماشینی است. اگر یک الگوریتم به خطا حکم شرعی یا توصیه فقهی نادرستی ارائه دهد، چه کسی مسئول است؟ طراح، توسعه‌دهنده یا استفاده‌کننده؟ (پور خاقان شاه رضایی و زارع، ۱۴۰۳) در سنت فقهی، مسئولیت اقدام فقهی بر عهده صاحب فتواست؛ لذا بهره‌گیری از هوش مصنوعی در استنباط احکام باید با سازوکارهای مشخص پاسخگویی همراه شود. ایجاد چارچوب‌های قانونی و اخلاقی روشن، برای جلوگیری از سوءاستفاده و صیانت از کرامت انسانی، از منظر اخلاق اسلامی ضروری است.

۲-۷- ابعاد فقهی: این بخش نیز در سه محور بیان می‌شود.

۱-۲-۷- حجیت استنباط هوش مصنوعی

اساسی‌ترین پرسش فقهی این است که آیا استنباط حکم شرعی توسط هوش مصنوعی حجیت دارد یا خیر؟ از دیدگاه فقهی، منابع معتبر تشریع عبارت‌اند از: قرآن، سنت، اجماع، قیاس و در نگاه اهل تشیع عقل هستند. هوش مصنوعی نه در شمار این منابع قرار می‌گیرد و نه قادر است جایگاه انسان مجتهد را به‌عنوان صاحب فهم، تقوا و ملکه اجتهاد پر کند. به همین دلیل فقه‌ها تأکید دارند حکم صادرشده توسط هوش مصنوعی حجیت شرعی ندارد، هرچند می‌تواند ابزار مفیدی برای سامان‌دهی داده‌ها و تسریع فرایند تتبع منابع باشد. (محمدی، ۱۴۰۳)

۲-۲-۷- مشروعیت بهره‌گیری از ابزارهای هوشمند

باوجود عدم حجیت مستقل، استفاده از هوش مصنوعی برای تحقیق و

مصنوعی از یک‌سو امکانات گسترده‌ای برای پردازش داده‌های فقهی، تسهیل اجتهاد و افزایش دسترسی به منابع فراهم می‌سازد، و از سوی دیگر زمینه‌ساز پرسش‌هایی جدی در حوزه اخلاق و فقه می‌شود. در نگاه فقهی، رعایت موازین اخلاقی و شرعی در استفاده از این فناوری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در ادامه، مهم‌ترین ابعاد اخلاقی و فقهی این موضوع به‌صورت منسجم بررسی می‌شود.

۱-۷- ابعاد اخلاقی: این بعد در سه مؤلفه به شکل ذیل بیان می‌شود.

۱-۱-۷- عدالت و پرهیز از تبعیض

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها، احتمال بازتولید یا تشدید تبعیض‌های موجود از طریق الگوریتم‌های هوشمند است. چنان‌که برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند، نظام‌های هوش مصنوعی به دلیل محدودیت‌های داده و سوگیری‌های موجود در اطلاعات ورودی، تولید هوش در کشورهای مختلف ممکن است نسبت به مردم خاص رفتار ناعادلانه داشته باشند. (خرم خشتی، ۱۴۰۳) در حوزه فقهی، این مسئله حساسیت بیشتری دارد؛ زیرا واگذاری بخشی از فرآیند استنباط به سامانه‌های ماشینی می‌تواند بُعد انسانی استنباط شرعی را کمرنگ کرده و معیارهای عدالت اسلامی را مخدوش سازد. از این رو، کنترل علمی و شرعی داده‌ها و پرهیز از هرگونه تبعیض در طراحی الگوریتم‌ها امری ضروری است.

۲-۱-۷- شفافیت و تبیین‌پذیری

بسیاری از سامانه‌های هوش مصنوعی مانند جعبه سیاه عمل می‌کنند و توضیح نمی‌دهند که چگونه به یک نتیجه رسیده‌اند. در فرایندهای قضایی و فقهی، چنین عدم شفافیتی می‌تواند ارزیابی صحت استنباط را دشوار کند. با توجه به تأکید فقهی بر فهم مستدل و قابل‌پیگیری در استنباط، لازم است ابزارهای هوشمند به‌گونه‌ای طراحی شوند که خروجی آن‌ها برای



پژوهش فقهی در صورتی که به اصول کلی شریعت وفادار باشد، از نظر بسیاری از فقها «جایز» و حتی «مطلوب» است. این نگاه با رویکرد عمومی فقه سنتی همخوانی دارد که بهره‌گیری از ابزارهای جدید را در صورت حفظ حدود الهی و پایبندی به مقاصد شریعت، پذیرفته و آن را خدمتی به دین می‌داند. (موسوی‌نژاد و زکی، ۲۰۲۵)

۳-۲-۷- نسبت هوش مصنوعی با عقل و قیاس

در فقه اهل سنت، قیاس یکی از ارکان مهم استنباط است. اما قیاس شرعی مستلزم فهم دقیق موضوع، تشخیص علت حکم و سنجش مشابَهت‌ها و تفاوت‌هاست؛ اموری که نیازمند «درک انسانی» است. هوش مصنوعی فاقد شهود، فراست و روح اجتهادی است و نمی‌تواند قیاس شرعی را به طور مستقل انجام دهد. همچنین در منابع اهل تشیع منابع استنباط احکام چهار چیز (قرآن، سنت، اجماع و عقل) بنابراین، AI یک منبع مستقل محسوب نمی‌شود. (موسوی‌نژاد، ۲۰۲۵) و نه جایگزینی برای استدلال فقهی انسانی است. جایگاه آن صرفاً «کمک‌رسان» به فرایند اجتهاد است، نه «منبع» برای آن.

از مجموع مباحث برمی‌آید که بهره‌گیری از هوش مصنوعی در استنباط احکام شرعی، در فقه با فرصت‌ها و محدودیت‌هایی همراه است. از یک طرف، رعایت اخلاق اسلامی در حوزه‌هایی مانند عدالت، شفافیت و مسئولیت‌پذیری ضروری است. از طرف دیگر، از منظر فقهی، هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگاه مجتهد را تصاحب کرده یا به‌عنوان منبع تشریع شناخته شود؛ اما می‌تواند ابزار ارزشمندی برای تسهیل پژوهش و تحلیل داده‌های فقهی باشد. در نهایت، تلفیق هوشمندانه فناوری و فقه سنتی نیازمند نظم اخلاقی، دقت علمی و التزام شرعی است تا انسجام و اعتبار نظام استنباط اسلامی حفظ شود.

۸- نتیجه‌گیری و یافته‌ها

در این پژوهش تلاش شد نسبت فقه و هوش مصنوعی از منظر ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و الزامات اخلاقی آن بررسی شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ورود فناوری‌های هوش مصنوعی به عرصه فقه نه به معنای جایگزینی اجتهاد انسانی، بلکه به منزله گشایش افقی جدید برای بازسازی روش استنباط در عصر انبوه داده‌هاست. تحلیل‌های انجام‌شده نشان داد که هوش مصنوعی، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند پردازش زبان طبیعی، گراف‌های دانش و یادگیری ماشین، قادر است ساختار متون فقهی را منظم‌تر سازد، روابط پنهان میان ادله را آشکار کند و مسیر جست‌وجو و تتبع را برای فقیه کوتاه‌تر و دقیق‌تر نماید. این یافته‌ها مستقیماً با هدف نخست پژوهش هم‌خوان است و نشان می‌دهد که قابلیت‌های AI در تحلیل و طبقه‌بندی متون فقهی، نه صرفاً کاربردی جانبی بلکه ظرفیتی تحول‌آفرین است.

از سوی دیگر، بررسی مبانی معرفت‌شناختی و اصولی فقه روشن ساخت که هوش مصنوعی فاقد توان فهم مقاصد شریعت، تشخیص ملاک‌های احکام، تمییز ناسخ از منسوخ و اعمال ظرایف استدلال اصولی است؛ اموری که جوهره «ملکه اجتهاد» و اختصاصاً انسانی‌اند. این نتیجه، هدف دوم پژوهش را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که هرگونه اتکای مستقل به هوش مصنوعی در مقام استنباط، از منظر فقهی و روش‌شناختی پذیرفتنی نیست و همواره نیازمند نظارت فقیه است.

در ادامه، تحلیل اخلاقی پژوهش آشکار ساخت که استفاده از هوش



۱. توسعه سامانه‌های هوش مصنوعی ویژه متون فقهی
پژوهش‌های آینده می‌تواند بر طراحی و پیاده‌سازی مدل‌های پردازش زبان طبیعی (NLP) اختصاصی برای متون فقهی تمرکز کند. چنین سامانه‌هایی قادر خواهند بود مفاهیم فقهی را به صورت هوشمند شناسایی و تحلیل کنند و روابط میان احکام و منابع مختلف فقهی را استخراج نمایند. این امر می‌تواند پژوهشگران را در تحلیل متون و استنباط احکام یاری دهد.

۲. ساختاردهی داده‌های فقهی با هستی‌شناسی و گراف دانش
پیشنهاد می‌شود داده‌های فقهی با استفاده از هستی‌شناسی‌های تخصصی و گراف‌های دانش سازمان‌دهی شوند. ایجاد چنین ساختاری امکان تحلیل شبکه‌ای مفاهیم و روابط بین آن‌ها را فراهم می‌کند و استخراج خودکار استدلال‌ها و استنباط‌های فقهی را تسهیل می‌نماید. این رویکرد به پژوهشگران کمک می‌کند تا اطلاعات پیچیده فقهی را به صورت ساختاریافته و قابل استفاده در سیستم‌های هوشمند درآورند.

۳. تدوین منشور اخلاقی جامع برای کاربری AI در علوم اسلامی
باتوجه به اهمیت رعایت ارزش‌های دینی و فرهنگی، لازم است منشور اخلاقی جامعی برای استفاده از هوش مصنوعی در علوم اسلامی تدوین شود. این منشور می‌تواند شامل شناسایی ریسک‌ها و چالش‌های اخلاقی، ارائه دستورالعمل‌های استفاده مسئولانه و تضمین اعتمادپذیری سیستم‌ها باشد و به حفظ اصول اخلاقی و دینی در پژوهش‌های هوش مصنوعی کمک کند.

مصنوعی در فضای فقه بدون چارچوب‌های اخلاقی روشن، می‌تواند پیامدهایی همچون تبعیض الگوریتمی، ابهام در مسئولیت، و مخدوش شدن شفافیت را به دنبال داشته باشد. اما با تنظیم ضوابطی مبتنی بر عدالت، پاسخگویی، شفافیت و رعایت جایگاه منابع تشریع، می‌توان بهره‌گیری مشروع و مسئولانه از این فناوری را تضمین کرد. این یافته، هدف سوم پژوهش را محقق می‌سازد.

از منظر پاسخ به پرسش‌های پژوهش نیز نتایج نشان می‌دهد که:

۱. هوش مصنوعی در سامان‌دهی داده‌های فقهی نقشی ساختاری دارد؛ یعنی قادر است شبکه معرفتی متون فقهی را بازآفرینی و قابل جست‌وجو و تحلیل کند.

۲. توان آن در کمک به استنباط احکام «حمایتی و تکمیلی» است، نه «استقلالی».

۳. ملاحظات اخلاقی و معرفتی شرط لازم برای هر نوع به کارگیری شرعی و روشمند آن است.

برآیند کلی تحقیق نشان می‌دهد که آینده تعامل فقه و هوش مصنوعی نه در تقابل، بلکه در نوعی همکاری سلسله‌مراتبی معنا پیدا می‌کند؛ به این معنا که هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک ابزاردانشی قدرتمند، کارآمدی پژوهش فقهی را ارتقا دهد، اما همچنان در خدمت فقیه و تحت نظارت او باقی می‌ماند. این جمع‌بندی می‌تواند مبنایی برای طراحی مدل‌های کاربری پذیر در نظام آموزش و پژوهش فقه اسلامی باشد.

پیشنهادهای تحقیق



منابع

شماره ۱.

عراقی، ضیاءالدین، (۱۳۷۹)، کتاب القضاء، مؤسسه معارف اسلامی امام رض (ع)، قم.

عیاد، نظیر محمد، (۲۰۲۵)، مرزهای استفاده از هوش مصنوعی برای صدور فتوا از نگاه مفتی مصر، میدل ایست نیوز.

فکری آیت الله خامنه‌ای.

فناورانه‌های روز، (۱۴۰۳)، استفاده از هوش مصنوعی در فتوا، مرکز فناوری اطلاعات حوزه های علمیه.

کرکی، علی، (۱۴۰۹)، رسائل، مکتبه آیه الله عظمی المرعشی النجفی (ره)، قم.

کشاورزی ولدانی، مرتضی، محمدیان، علی، (۱۴۰۳)، تاملی بر امکان سنجی و انحای کاربست هوش مصنوعی در دانش فقه و حقوق اسلامی، پژوهش های فقهی، دوره ۲۰، شماره ۴.

محمدی، سید صادق، (۱۴۰۳)، هوش مصنوعی و استنباط حکم شرعی، شبکه اجتهاد.

محمدی، مهلا، شایان فر، جواد، (۱۴۰۴)، تحلیل فقهی حقوق دیجیتال و هوش مصنوعی در اسلام، اولین همایش بین المللی هوش مصنوعی در آموزش و پرورش، روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات دینی، فرهنگی، اجتماعی و مدیریتی در هزاره سوم، بوشهر، سویلیکا.

محمدیان، علی، کشاورزی ولدانی، مرتضی، (۱۴۰۲)، تحلیل مؤلفه ها و مصادیق فقه تمدن ساز در منظومه ی

مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران.

موسوی نژاد و زکی، (۲۰۲۵)، بررسی نسبت فقه و هوش مصنوعی در گفتمان راه تعالی/ هوش مصنوعی ابزار کمکی است، جایگزین مجتهد نمی شود، سایت مرکز تبیان.

مینایی، بهروز، (۱۳۹۸)، هوش مصنوعی می تواند در فرایند استنباط به کمک فقیه بیاید، شبکه اجتهاد.

احمدپور، مهدی، (بی تا)، مبانی علم فقه، مبانی معرفت شناختی، دین آنلاین.

احمدوند، رضا، (۱۴۰۱)، آیا داده های هوش مصنوعی در مباحث فقهی حجیت دارد؟، شبکه اجتهاد.

انصاری، باقر، حسین زند، (۱۳۹۵)، حمایت از داده های آزمایشی در نظام مالکیت فکری، فصل نامه پژوهشی حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره شانزدهم.

پورخاقان شاهرضایی، زینب و زارع، روح الله، (۱۴۰۳)، هوش مصنوعی و چالش های حقوق عمومی: مسئولیت، حاکمیت و شفافیت، نهمین همایش بین المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، همدان.

خرم خشتی، محمدجواد، (۱۴۰۳)، موانع استفاده از هوش مصنوعی در قانون گذاری مبتنی بر فقه، شبکه اجتهاد.

دهقانی، محمدمهدی، (۱۴۰۳)، بررسی حقوق و مسئولیت های اخلاقی هوش مصنوعی (AI) در چارچوب فقه اسلامی، دهمین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش های دینی، سویلیکا.

ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۷۵)، بررسی رابطه معرفت شناختی علم و دین، پرتال جامع علوم انسانی.

سید مرتضی، علی، (۱۴۰۵)، رسائل الشریف المرتضی، قم: دارالقرآن کریم.

شعبانی، مهدی، ابراهیمی علیرضا، دیانت، روح الله، (۱۴۰۳)، امکان سنجی قابلیت های هوش مصنوعی در تسریع فرایند استنباط احکام شرعی، فصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب.

شعبانی، مهدی؛ ابراهیمی، علیرضا؛ دیانت، روح الله (۱۴۰۳). «امکان سنجی قابلیت های هوش مصنوعی در تسریع فرایند استنباط احکام شرعی»، مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، دوره ۷، شماره ۱، صص. ۲۵۰-۲۷۴.

عارف نیا، طیبیه، شالیکر، شمس الله، محمدیان امیری، مهدی، (۱۴۰۳)، امکان سنجی فقهی و حقوقی استفاده از هوش مصنوعی به عنوان یکی از ادله اثبات دعاوی در امور حقوقی و کیفری، دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، دوره ۲،



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



<https://doi.org/10.1016/j.jpm.2021.102798>

Kamran, Amna Binte; Abro, Bushra; Basharat, Amna (۲۰۲۳)

SemanticHadith: An ontology-driven knowledge graph for the hadith corpus, Web Semantics: Science, Services and Agents on the World Wide Web, DOI

[j.websem.2023.100797/10.1016](https://doi.org/10.1016/j.websem.2023.100797)

.,Magesh, V., Surani, F., Dahl, M., Suzgun, M., Manning, C. D

Ho, D. E. (۲۰۲۴). Hallucination-Free? Assessing the &

Reliability of Leading AI Legal Research Tools. Stanford HAI

RegLab. Retrieved from [https://dho.stanford.edu/wp-](https://dho.stanford.edu/wp-content/uploads/Legal_RAG_Hallucinations.pdf) &

[content/uploads/Legal_RAG_Hallucinations.pdf](https://dho.stanford.edu/wp-content/uploads/Legal_RAG_Hallucinations.pdf)

Russell, S. J., & Norvig, P. (۲۰۱۶). Artificial intelligence: a

modern approach. Pearson

منابع خارجی

Alshithisri, Ahmad Bin Abdulaziz. (۲۰۲۴). A Study of the Legal and Fiqhi Impact of AI on Issuing Fatwas. Kurdish Studies, ۱۲(۱), ۲۵۰۴-۲۵۱۱

Çetinkaya, Ali. (۲۰۲۵). Binary Logic as Legal Algorithm Computational Evidence of Systematic Decision-Making in Ottoman Sheikh al-Islam Fatwas. Published September ۲۳. Version v۱. ۲۰۲۵

Chen, H., Wu, L., Chen, J., Lu, W., & Ding, J. (۲۰۲۲). A comparative study of automated legal text classification using random forests and deep learning. Information Processing & Management, ۵۹(۲), Article ۱۰۲۷۹۸